

درگذشت رفیق چوئن لای



روز پنجشنبه ۸ ژانویه رفیق چوئن لای عضو برجسته حزب کمونیست چین درگذشت .

رفیق چوئن لای یکی از رهبران بزرگ حزب کمونیست چین و دولت جمهوری تودهای چین ، نمونه یک انقلابی پرولتری ، یک انقلابی وفادار به طبقه کارگر و آرمان آن بود ، رفیق چوئن لای نه تنها رهبر بزرگ حزب کمونیست چین بلکه از رهبر بزرگ پرولتاریای جهان بود .

نام رفیق چوئن لای با تمام زندگی حزب کمونیست چین از آغاز فعالیت آن در آمیخته است . تحت رهبری رفیق مائو تسه دون ، رفیق چوئن لای در ساختمان حزب کمونیست چین در ایجاد ارتش سرخ تودهای چین ، در تأسیس جبهه واحد ملی و در پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین چین نقش تاریخی بسیار بزرگی داشت . پس از پیروزی انقلاب ، رفیق چوئن لای تمام نیروی خلاقه خود را در خدمت تحکیم اتحاد طبقه کارگر و دهقان ، در خدمت وحدت همه خلقهاییکه در چین زندگی میکنند ، در خدمت ساختمان سوسیالیسم گذاشت ، در انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی و بشر رسانیدن آن و سپس در جنبش علیه لین پیائو بخاطر برانداختن رویزیونیسم و تحکیم دیکتاتور پرولتاریا نقش برجسته ایفا کرد . رفیق چوئن لای در دستاوردهای عظیم و درخشان خلق کبیر چین سهم بزرگی دارد .

در سیاست خارجی رفیق چوئن لای مبارز خستگی ناپذیر بخاطر وحدت همه خلقها و همه نیروهای انقلابی جهان در مبارزه علیه امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم بود و به همین جهت در صحنه بین المللی از احترامی عمیق برخوردار است .

درگذشت رفیق چوئن لای ضایعه بزرگی نه تنها برای خلق چین ، حزب کمونیست چین بلکه برای همه جنبش مارکسیستی-لنینیستی جهانی است .

رفیق چوئن لای ، همکار وفادار و رفیق مائو تسه دون درگذشت امانام او ، خاطره او جاودانی است . پرولتاریای جهان و همه مبارزان انقلابی هرگز این رهبر بزرگ و برجسته جنبش پرولتری را از یاد نخواهند برد .

جمعه ۹ ژانویه ۱۹۷۵

اطلاعیه مشترک حزب کمونیست اسپانیا (مارکسیست - لنینیست)

وسازمان مارکسیستی لنینیستی توفان

چنانکه قبلا اطلاع دادیم (توفان ۱۶)

در ملاقاتی که میان هیئت نمایندگی حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست اسپانیا و هیئت نمایندگی سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان صورت گرفت ، در محیطی سرشار از برادری و همبستگی در مورد اوضاع جهان ، وضع ایران ، وضع اسپانیا و جنبش مارکسیستی - لنینیستی تبادل نظر بعمل آمد که حاکی از وحدت نظر کامل در مسائل مطروحه است .

هر دو هیئت نمایندگی بر آنند که بنا به تعریف لنین عصر ما ، عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتاریائی است ، عصری است که در آن سرمایه داری به بالاترین مرحله خود ، امپریالیسم رسیده و امپریالیسم آستانه انقلاب اجتماعی پرولتاریا است . در حال حاضر امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم روس به اتفاق و هر یک جداگانه میکوشند استیلا ی خود را بر سراسر جهان بگسترانند . این دو ابر قدرت بر اثر آرزوی بیحد و حصر خود اکنون بزرگترین استثمارگر و استثمارگر های جهان و بزرگترین تجار و بزرگترین به خلق های جهان اند ، پیوسته علیه خلق ها توطئه می چینند ، اما در مناطق مختلف جهان با یکدیگر برخورد میکنند ، بر سر مناطق نفوذ با یکدیگر درمی افتند ، خود را علیه یکدیگر تا دندان مسلح میسازند و با شدت جنگ امپریالیستی جدیدی را تدارک می بینند و در عین حال میکوشند با تبلیغات خود در باره " تشنج زدائی " و با کفرانسیس های امنیت تدارک جنگ را از نظر پنهان سازند .

امپریالیسم آمریکا از جنگ دوم جهانی بزرگترین قدرت امپریالیستی بیرون آمد ولی از آن پس خلق ها شکست های سختی بروی وارد آوردند . اتحاد شوروی از یک کشور سوسیالیستی به کشوری تبدیل گردید که در آن بورژوازی بزرگ رویزیونیست قدرت را در دست گرفت و رژیم سوسیال فاشیسم را بجای سوسیالیسم نشانید ، رژیمی که خلق ها و کشورهای مناطق نفوذ خود را سرکوب و فارت میکند و میکوشد بر تمام کشور ها و دریاها چنگ اندازد .

یکی از خصوصیات اساسی وضع بین المللی کنونی بحران عمیقی است که سراسر دنیای امپریالیسم و رویزیونیسم را فراگرفته و ارکان آنرا میلرزاند ، تضاد های دنیای امپریالیسم و رویزیونیسم : تضاد میان پرولتاریا و بورژوازی امپریالیست و رویزیونیست - تضادی که مختصر دوران تاریخی سرمایه داری است - تضاد میان خلق های محروم و استثمارش با امپریالیسم و در راس آن امپریالیسم آمریکا و با سوسیال امپریالیسم روس و تضاد میان دولتها و انحصارهای امپریالیستی بویژه تضاد میان آمریکا و شوروی را حدت بخشیده است .

در مبارزه خلق ها ، کشورها ، ملت ها علیه امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی و عمال و نوکران آنها ضروری است جبهه متحد ضد امپریالیستی هر چه وسیعتر و نیرومندتری بوجود آورد . در این جبهه متحد وسیع طبقه کارگر و احزاب و سازمانهای مبارکسیست - لنینیست باید استقلال سیاسی و سازمانی و اهدافی عبقاتی خود را حفظ کنند و برای اعمال نقش پیشاهنگ و رهبری خود بزمزند و در صورت بروز جنگ امپریالیستی جهانی بر اثر رقابت دو ابر قدرت بر سر هژمونی بر جهان ، جنگ امپریالیستی را بجنسک تودهای انقلابی تبدیل کند و پیروزی کامل آنرا تحت رهبری پرولتاریا بنماید . بدینسان با انقلاب از جنگ جلوگیری خواهد کرد و یا جنگ به انقلاب خواهد انجامید .

در مبارزه با دو ابر قدرت باید توجه داشت که سوسیال امپریالیسم شوروی بر عکس امپریالیسم آمریکا که ماعت آن بر خلق های انقلابی پوشیده نیست با استفاده از نقاب سوسیالیسم ، با استفاده از گذشته پرافتخار کشورش و حزب لنین و استالین هنوز میتواند مردمانی را بفریبد از اینرو در افشا سوسیال امپریالیسم شوروی

بقیه در صفحه ۲

ساواک ، پاسدار رژیم ایران

ساواک ، این دستگاه اهریمنی رژیم شاه برای آن بد دنیا آمد و فعالیت آن دامنه یافت که محیط سیاسی و اجتماعی ایران را برای غارتگران خارجی و داخلی که شاه در راس آنها و مدافع منافع آنها است امن نگاه دازد و تخت سلطنت شاه را از خشم و کینه توده های مردم حفظ کند . از اینجهت فعالیت آن بطور عمده در دو جهت سیر میکند : نخست در اینجهت که تشکیلهای مختلف اعم از صنفی و سیاسی را بیاید و آنها را بی اثر کند ، دیگر آنکه جلوی هرگونه فعالیت عناصر و نیروهای انقلابی و رویزیونیست را بگیرد و این فعالیت راحتی المقدر در نطفه خفه کند . شیوه های کار ساواک زمان امنیت متنوع است ولی تکیه اساسی آن بر قهر و زور ، بر شکنجه ، زندان و اعدام است در برخورد به سازمان امنیت و فعالیت آن باید از دو خطا احتراز جست :

نخست کم بهیادادن به سازمان امنیت که بنا بر آن این سازمان هیچ چیز نمیداند . اطلاعاتی چندان ندارد و کاری از دستش ساخته نیست ، این سازمان را نباید جدی گرفت ، هرگونه برخورد دیگری باین سازمان در حکم بزرگ کردن آست و به استقبال خواست وی رفتن . سازمان امنیت خود میخواهد اینگونه وانمود کند که همه چیز میداند ، بر همه چیز سلطنت عالم بالسز و الخفیات است . سلسله مقالاتی که در شماره های اخیر توفان درج شده سازمان امنیت را بیش از آنچه که در واقعیت هست نمایانده است .

خطای دیگر برعکس برپا دادن به سازمان امنیت است و قدرت و عظمت آنرا بد انسان نمایاندن که گویا با فعالیت خود با دست هائی که در همه جا دارد ، از جزئیات امور کشور ما باخبر است ، زندگی هر یک از افراد را زیر نظر دارد . نتیجه این میشود که کاری از هیچکس ساخته نیست و باید تسلیم " شیر تر خونخواره " شد و از فعالیت دست برداشت و یا برای تسلیم نشدن و جنگیدن باید براه چریکی رفت . سازمان ما این هر دو برخورد را با طاعت رد میکند . ما بر آنیم که سازمان امنیت ایران بقیه در صفحه ۲

درد بی پایان

به فرزندان دلیر خلق

شاه آدمکش بار دیگر غریت مرگ را بر بالای سر دهن ان فرزندان خلق به پرواز آورده است ، بار دیگر از دهن از جوانان میهن پرست رادریشت درهای بسته محاکم فرمایشی نظامی به محاکمه کشانیده ، و ده تن و از آنجمله یک دختر دلیر را به اعدام و دختر دیگری را به ۱۵ سال زندان محکوم کرده است . عطر سیراب نشدنی شاه در آشامیدن خون بیگناهان همواره افزون میشود و اشون جوانان دلاور میهن مارا که شوری جز عشق به میهن در سر ندارند گروه گروه کشتار میکند و بابه میدان اعدام کسبل میدارند .

جان ده تن جوان میهن پرست در خطر است . وظیفه همه سازمانهای دانشجویی ، همه دانشجویان خارج از کشور است که بیاری فرزندان خلق بشتانند ، افکار عمومی جهان ، عین سازمانها و شخصیت های مترقی و انساندوست زاد رسوا سرجها بسیج کنند و مانع شوند که صغیر گلوله دوباره در میدان اعدام ظنین انداز شود و خون ده تن جوان میهن پرست انقلابی صحنه میدان تیر را گلگون گرداند .

دست جلاز از فرزندان خلق کوتاه !
مرگ بر شاه آدمکش !

بریده باد دست جلاذ !

از زندگی... بقیه از صفحه ۴ که هر شب در وسط حیاط خود که باغ بزرگی است بساط تریاک راه میاندازد و حوض بزرگی نیز به بساط آجلا می بخشد، رئیس زاند ارمی منطقه با معاون خود از مسلمانان پروا قرض ایشان هستند.

آنطور که معلوم است از ماورین^۲ اصلاحات ارضی کما در این ده حضور داشتند و از قرار معلوم دهقانی را پیدا کردند که ادعا کند دهقان آقا است، چونکه خود غیر از آنکه تمام افراد اداری را همیشه دارد، صاحب افراد بخصوصی است که استادی نام در آوردن و بردن قاچاق دارند و از هیچ جنایتی نیز روگردان نیستند در صورتیکه آقا بخواهد.

ده فیض آباد، ده کم آبی است از اینرو مقداری از آب خود را از ده مجاور می آورد، ولی بعلل نامعلومی از ۴ سال باین طرف آب از ده مجاور دیگر نمیآید، در نتیجه دهقانان میانه حالی که با آب منگور کشت میکردند، محصولات خود را از دست دادند تنها آن دهقانانی که زیر دست آقا بودند سبزی از آب موجود استفاده کنند، اکنون نمی از مردان ده بشهر منتجاور از آن جمله شهران رفته اند و بجای کی مشغولند و این مردان هر سال یکبار برای دیدن فرزندانشان میآیند و انداخته کی را که بدست آورده اند بخانواداشان میدهند که اغلب از ۱۰۰ تا ۱۵۰ تومان تجاوز نمیکند و تا حال پیش از ۸ نفرشان در چاه کی تلف شده اند. یک حادثه غم انگیزی در این ده رخ داد که طبیعتاً در دهات ایران معمولی بشمار میآید، زنی ۲۵ ساله زایمان داشت بعد از زایمان دچار خون ریزی شد بالاخره بعد از سه روز در جلو دیدگان تمام خانواد و همسایگان جان سپرد و هرکوششی برای پیدا کردن یک وسیله انتقال بشهر نتایج منفی نداشت، روز دوم خونریزی برآورد ارمی مراجعه شد آنها در جواب گفتند کار جاده بایستید بلکه ماشینی پیدا شود ولی اضافه کردند که... (تومان نقد نیز آماده کیدتا شوفا اول به بینند، تازه اگر هم وسائل نقلیه پیدا میشد کجا بود آن صد تومان و سرنوشت نوزاد نیز طبق معمول واضح است، او هم بعد از ۴ روز مثل اکثر کودکان کشاورزان جان سپرد.

در کارخانه کبریت سازی تبریز - ماجرای ۲ هزار تومان جریمه:

این کارخانه یکی از قدیمی ترین کارخانه کبریت سازی ایران است و اکنون متجاوز از ۷۰۰ نفر در شیفت های مختلف مشغول بکارند و میتوان بسادگی بتعداد بیش از ۱۰۰ نفر کارگرانی را سراغ داشت که بیش از ۳۵ سال است که در این کارخانه کار میکنند. کارگران کارخانه از بیمه شدن و از اسم بیمه نفرت دارند چون آنها در بیمه شدن غیر از پرداختن پول کمی که بعنوان دستمزد میگیرند منفعتی ندیده اند. در این کارخانه یک کارگری بنام صامد بازنشسته میشود، البته بعد

از ۴۰ سال سابقه کار، بالاخره بوی اعلام میشود که از برکت او امر ملوکانه حقوقی بالغ بر ۴۰۰ تومان در ماه باو تعلق گرفته است. صامد در حقیقت تا ۱۰ سال قبل مهندس کارخانه نیز بشمار میرفت و او بود که هر دستگاه کهنه و یا ماشینی را که صید میدید تعمیر میکرد و در حقیقت او تا آخرین روز مشخص کارخانه بشمار میرفت. حالا بعد از ۴۰ سال سابقه کار با ۵۰۰ سواتله باید با ۴۰۰ تومان سرکنند (حقوق صامد در حدود ۵۰۰ تومان بوده است) او ناچاراً پیش رئیس کارخانه رفته و بالتماس از او میخواهد که اجازه دهد در آنجا بدون معاهده کار کند بالاخره در ازامزد روزانه ۳ تومان بر اثر ترحم رئیس کارخانه بکار گرفته میشود او بعد از ۳ سال بود که روزانه برای ۳ تومان کار میکرد. سند بکاری کارخانه که بوسیله عوامل ساواک تبریز تهیه میشود، در حقیقت گردن کلفت های کارخانه را در خود متمرکز کرده است. در این او اخیراً از ۶ نفر از بطور طبقی بدست ساواک سپرد و در نتیجه آنها را از کار برون کردند، بنیاد نام چه علتی صامد راهدی تیر قرارداد و او را به اداره بیمه لود ادند و در نتیجه اداره بیمه او را بجای کسب بجرم اینکه بدون بیمه کار میکند، دوم اینکه او حق بازنشستگی میکرد و حق کارکردن را ندارد. و قرار برابر با ۶۰ هزار تومان خسارت بر علیه صامد پیرو صادر شد.

در این کارخانه سالانه بطور متوسط بیش از ۲۰ نفر مسوم میشود. در همین ۹ ماه سال جاری ۸ نفر مسوم شدند که ۳ نفر از آنها اصلاً کسی را نداشتند که سراغ جسد آنها بیایند از مسوم شدگان ۶ عددشان از زنان کارگر بود. در این کارخانه اخیراً منظمی میگیرد، کماست آن سود ویژه ای که شاه اغلب از آن صحبت میکند یا کماست آن چیزی که بکارگران تعلق گرفته است.

بالاخره ما معنی شریک شدن کارگران در سود ویژه و یا سهام های کارخانه را نیز فهمیدیم. این کلمات میتوانند از دهان شخصی مثل محمد رضا شاه برون آیند چون که او عادت کرده است هدیای بگوید و میخواهد هر چه بیشتر هدیای بگوید. کارو باجائی رسیده است که میگویی؟ همعاش نمیشود بگظرفه باشد، نمیشود همعاش داد و هیچ نگرفت. ایمن جمالت او شامل اربابانش، امیرالایست ها میشود. بلی آنها که دائم بوسیله رژیم خاندان پهلوی داده میشود ولی پس گرفته نمیشود. این آنها هستند که نزدیک به نیم قرن است که خلق ما در زیر سایه خانواده او بدست او می چایند. این فرود هدیای کوکستانی را بدانجا میکشند که خود را طلبکارانی نیز میدانند و حالا کارگران را ملات میکنند که کویا چیزی گرفته اند و هیچی پس نداده اند.

باز برای دهقانان میکویند تا ۲ (سال دیگر ملت ایرا باید وارد دوره تمدن بزرگ بشود...)

این سخنان ما را بیاد ۲۱ سال پیش میاندازد که او تصمیم گرفت تا ۱۰ سال دیگر ایران را از سوکت جلوش برد البته او معتقد است که ما از سوکت گذشته ایم. بد لطف درباری او هویدا نتیجه گرفت راهی که در نظری ۵ سال بایست طی میکردیم تحت رهبری شاه در ۶ ماه طی کرده ایم و هم اکنون نیز در روزه تمدن بزرگ را پشت سر گذاشته ایم.

شاه و رژیم او غیر از درونگویی و خیانت بطلت ما پیشهای دیگر نداشته و ندارند. شاه گمان میکند هر رضی را که بر زبان آورد دیگران بدان باور خواهند داشت. کارگران و دهقانان ایران در زمانی است که سخنان او سیاه شاهرا میشناسند و سالیانست که سنگینی این رژیم ننگین را روی دوشهای خود حس میکنند.

تنها یک حکومت ملی و دمکراتیک برهبری طبقه کارگر منافع توده کارگر و دهقان راناسین و نگهبانی خواهد کرد. تا چنین حکومتی بر روی ویرانه های حکومت شاه و امپریالیسم برپانشود هیچ تحولی بسود اکثریت دهقانان امکان پذیر نخواهد بود.

ساواک... بقیه از صفحه ۲. است. پس از چندی سازمان امنیت افرازا فرامیخواند و به آنها وانمود میکند که از کار آنها با خیر است و بدین ترتیب با ایجاد بی اعتمادی از ایجاد و گسترش سازمانهای انقلابی جلو میکورد.

بطوری که اطلاع یافته ایم این شیوه اخیراً در مورد سازمان توفان بکار گرفته است و عدمای از هواداران سازمان ما باین سیرنگ در دام سازمان امنیت افتاده اند. مادرانجام بیمه هواداران سازمان توفان هندار امید هم و آنها را از این دام سازمان امنیت بر حذر میداریم.

عامل بی اعتمادی مانع بزرگی بر سر راه ایجاد تشکیلات است. اما این سد بزرگ را نیز با حوصله و هوشیاری میتوان درهم شکست. برای دعوت فردی به شرکت در سازمان یا هسته سازمانی باید قبلاً مدت زیادی صرف کرد تا همه احوال او عمیقاً آشنا شد، او را در اوضاع و احوال مختلف سنجید، آزمایش کرد پس از آنکه اعتماد سیاسی حاصل آمد پس از او با عضویت سازمان در آورد. رفتای هوادار سازمان توفان چنانچه به ایجاد هسته ای سازمانی دست میزنند یا به عضویت هسته ای سازمانی در میآیند باید به عامل اعتماد سیاسی توجه کامل داشته باشند.

سازمان ما در مورد سازمان امنیت بطور کلی این اندیشه ما کوشه دون را راهتمای خود قرار میدهد: از دید طولانی و در مبارزه طولانی، از نظر استراتژیک باید به دشمن کم بها داد ولی از نظر تاکتیکی باید دشمن را جدی گرفت، بسخن دیگرما باید در مجموع دشمن را حقیر شماریم ولی در هر مسئله شخص او را جدی بگیریم. چنانچه مادر مجموع دشمن را حقیر نشماریم به اشتباه ایرورتوتیستی دچار خواهیم شد (۰۰۰) ولی در برخورد با مسائل شخص اگروری را جدی نگیریم به ماجراجویی کشانده خواهیم شد.

سازمان امنیت در ماهیت خود و از دید طولانی نابود شدنی است، فکر استراتژیک ما باید بر این پایه استوار باشد. از سوی دیگر در هر مسئله شخص، در هر گام شخص این سازمان امکان دارد فعالیت عناصر و نیروهای انقلابی را عقیم گرداند و بر این اساس است که باید فکر تاکتیکی ما استوار گردد. چنین است دید ما در مقابله با سازمان امنیت. ما همین داریم چنانچه این رهنمود رقیق مائوسه دون آگاهانه و با هوشیاری بکار بسته شوند میتوان بر دشمن و نیرنگهای سازمان امنیت فائق آمد و مبارزه بخاطر احیا حزب طبقه کارگر و سپس بخاطر پیروزی انقلاب را به پیش راند.

عنوان مکاتبات
X.DR.GIOVANNA GRONDA
87030 ARCAVACATA (CS) ITALY

حساب بانکی
X.DR.GIOVANNA GRONDA
CONTO 17549/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO / ITALY

امیرالیسم شوروی... بقیه از صفحه ۴

همکاری میکند؛ در جنبشهای ظفار و یوملا برعکس هنوز آینده نوید بخشی می بیند. شوروی شرطی هواداران آزادی خلق از بیوغ استعمار است که به استعمار نوین شوروی گردن نهند، انقلابی که همراه با برانداختن نفوذ امپریالیسم ، نفوذ سوسیالیامپریالیسم شوروی رانیسز براندازد، باب طبع شوروی نیست و باید در صورت امکان سرکوب شود. اینجا است که خصلت ضد انقلابی شوروی بوضوح بروز میکند.

"کم" نظامی شوروی به کشورهای همجکاه بدون قید و شرط صورت نمیکرد. این "کم" همواره با شرایطی همراه است مانند مطالبه پایگاههای نظامی (هوایی، دریایی)، یا اینکه استفاده از پارهای جنگ افزارها بدون موافقت قبلی مقامات شوروی صورت نگیرد و بدین ترتیب کنترل استفاده از آنها در دست شوروی باقی بماند. مضافاً اینکه شوروی همیشه میتواند با دادن یا ندادن قطعات بدکی کنترل استفاده از سلاحها در دست خود بگیرد و همراهها "کم" نظامی سیل کارشناسان نظامی (برای مصر بیست هزار نفر) به کشورهای ریاقتگنده "کم" سازیمیشود که این دولت باید حقوقهای گزافی به آنها بپردازد. زندگی پر تجملی برای آنها فراهم آورد رفتار این کارشناسان نسبت به مقامات نظامی بومی اگر تندی و مترو تجیر امیرتزار کارشناسان آمریکائی نباشد بهتر از آنها نیست "کم" نظامی بالاخره وسیلهای دردست شوروی است برای آنکه در زندگی سیاسی و اقتصادی دولت "کم" گیرنده مد اخله کند و آنرا بر طبق مقاد سیاسی و اقتصادی خویش بگرداند. یکی از نمونه هائی که با وضوح نیات و مقاصد امپریالیسم شوروی را از "کم" نظامی روشن میسازد مصر است.

چنانکه کشور "کم" گیرنده در مقام دفاع از حق حاکمیت خود بر آید اعمال فشار بر روی آغاز میگردد که از عدم تحویل سلاحهای مورد توافق و قطعات بدکی گرفته تا اجبار به پرداخت فوری بهای اسلحه پیش میرود. هم اکنون شوروی دولت مصر را تحت فشار قرار داده است که بهای تسلیحات را همه ساله (اصل و فرع) بپردازد با آنکه میدانند که مصر در وضع اقتصادی و نظامی دشواری است و پرداخت سالانه چند صد ملیون دلار برای وی مقدور نیست. امتناع از تحویل قطعات بدکی نیز اعمال فشار دیگری است بدون قطعات بدکی، جنگ افزارهای شوروی مشمول "کم" از حیث انتفاع بیرون است و چیزی جز مشتی آهن پاره نیست. انور سادات در مصاحبه اخیر خود در لندن چنین توضیح میدهد: "سیاستی که شوروی از آن پیروی میکند متوجه این هدف است که دائماً مصر را تحت فشار بگذارد. تجلیات این جنبه از سیاست شوروی مخصوصاً وقتی که پای ارسال قطعات بدکی جنگ افزارهای مصر در میان باشد بسیار روشن است" (اطلاعات ۱۸ آبان ۵۴).

چنین است تجلیات "سوسیالیستی" امپریالیسم شوروی که با تجلیات امپریالیستی امپریالیسم آمریکا سرودنی تفاوت ندارد.

قهر مسلح ضد انقلابی شاه را جز با قهر مسلح انقلابی خلق نمیتوان درهم شکست!

امپریالیسم شوروی، سوداگر مرگ

در سابقه بخاطر استقرار سلطه خود بر جهان، اتحاد شوروی مانند امپریالیسم آمریکا هر سال مخارج نظامی خود را افزایش میدهد، کمیت و کیفیت تسلیحات خود را در هولو روی زمین و در دریاهای بالامیبرد و سلاحهای موجود را تکمیل میکند. سلاحهای مخربتر و مخوفتری بجای سلاحهای کهنه می آفریند. در اتحاد شوروی تمام شعب تولیدی کبشمی باتولید و تسلیحات سروکار دارند بدون وقفه کار میکنند.

اما همین اتحاد شوروی که يك لحظه هم غافل نمیاند که خود را تاندان مسلح سازد پیوسته مانند آمریکا از صلح و امنیت بین المللی "از زدودن تشنج"، از "تقلیل تسلیحات" و حتی "خلع سلاح عمومی" دم میزند. هوادار دنیایی است که در آن نه جنگ باشد نه صلح. اگر اتحاد شوروی واقعا هوادار "دنیای بدون جنگ" بدون ارتش و بدون اسلحه است چرا عدم بردها تسلیحات خود منی افزایش. چرا به شوروی دیکر اسلحه میفرشد و دنیوسيله بجای "دنیای بدون اسلحه" در ایجاد دنیای صلح نقش فعال دارد؟ آیا جز اینست که شوروی مانند امپریالیسم آمریکا میخواهد باتولیدات پرسرود خود را هوادار صلح و امنیت بین المللی و خلع سلاح نشان دهد و در پشت آن سابقه تسلیحاتی خود را بپوشاند؟ آیا جز اینست که میخواهد افکار عمومی جهان را از خطر جنگ جهانی سوم منحرف سازد و در حالی که جنگ امپریالیستی دیکر راند آراک می بیند؟ رفیق انور خوجه وضع را چنین توصیف میکند:

"دو ابر قدرت، خود تاندان مسلح اند ولی در پی آنند که باتولیدات خود دیکر را خلع سلاح کنند. آنها بحلا و بزرگترین سوداگران اسلحه اند. این امر بنظر متضاد میآید اما چنین نیست. درست است که آنها بدیگران اسلحه میفروشند ولی در نترتین سلاح را برای خود نگاه میدارند، همیشه تناسب موجود تسلیحات را در نظر میگیرند و برتری خود را حفظ میکنند. ضمناً آنها به کسانی اسلحه میدهند که قهر میکنند با آنها عیاق بستگی دارند، به کسانی که از آنها مطمئن اند. دو ابر قدرت از یکسو با استفاده از فروش اسلحه خون آنها را میبندد، ثروت های آنها را میبندد، زمین آنها را خود را در وستان آنها مینماید، در کانونهای آنها نفوذ میکند و در آنجا قانون خود را برقرار میسازد از سوی دیکر آنها را به کشمکش با همسایگان خود تحریک میکند".

شوروی امروز مانند امپریالیسم آمریکا، وسایز آمریکا بزرگترین سوداگر مرگ است. شوروی اکنون در فروش اسلحه بر بزرگترین انحصارهای اسلحه جهان سیقت گرفته است، کالای مرگ خود را در اقصی نقاط جهان و به ارتجعی ترین دولتهای جهان میفروشد. بنا بر آمار طرفی در سال (۷۱-۱۹۶۱) صادرات اسلحه آمریکا به ۲۴٫۸۴۷ میلیارد دلار بالغ گردیده است. طی همین مدت صادرات اسلحه شوروی ۱۴٫۶۶۶ میلیارد دلار است. این دو امپریالیسم به تنهایی ۸۰ درصد بازار جهانی فروش و تسلیحات را در دست دارند. بنا بر خبرگزاری فرانسه از واشنگتن فروش تسلیحات نظامی آمریکا به خارجه در سال مالی ۷۵-۱۹۷۴ به نه میلیارد و نیم بالغ میگردد که در حدود ۵ میلیارد آن به ایران تعلق میگیرد. از جنگ اکتبر ۱۹۷۳ تا پایان سال ۷۴ شوروی ۶/۷ میلیارد دلار اسلحه به کشورهای خاور نزدیک صادر کرده است. آیا یک کشور سوسیالیستی میتواند مانند انحصارهای بزرگ اسلحه به سوداگر مرگ بدل گردد؟ جواب این سؤال بدون شك منفی است.

فروش اسلحه برای شوروی منبع سودهای کلان است و هر چه نیاز به کالای مرگ افزون شود گامی دولت شوروی رونق بیشتری میگیرد، هر چه آتش جنگ اینجا و آنجا میان کشورهای حتی در درون کشورها گسترش یابد بازار فروش اسلحه برای شوروی پر رونق تر و سودها وی کلان تر است و از این لحاظ کوچکترین تفاوتی میان دولت شوروی و انحصارهای بزرگ اسلحه نیست.

سودهای کلانی که از صد و اسلحه عاید میگردد امپریالیسم شوروی را مانند امپریالیسم آمریکا در این امر دیکر میکردند که در نقاط مختلف جهان کشمکش های محلی و کانونهای جنگ بوجود آید یا بوجود آورد. وضع "نه جنگ و نه صلح" در خاور نزدیک که شوروی مانند آمریکا آنرا نگاه میدارد نمونه ای از آنست؛ جنگ کرد های عراق علیه دولت مرکزی آن و بدنبال آن و خاتم مناسبات ایران و عراق نمونه دیگری از آنست؛ جنگ هند علیه پاکستان برای تجزیه این کشور که بمید این کشور بنگلادش تفرقه گردید نمونه دیگری است. ... شاید این شبهه پیش آید که فروش اسلحه توسط شوروی به انقلاب جهانی باری میرساند چون فقط دولتهای شرقی و نیروهای انقلابی از آن بهره مند میگردد اما قاضیه برعکس است.

فروش اسلحه شوروی یا به دولتهای ارتجعی و ضد انقلابی است که آنرا برای سرکوب نیروهای انقلابی بکار میبرند بهترین نمونه آن برای ما ایرانیان فروش اسلحه به شاه است. در اینکه شاه ایران کترین نشسته شرقی ندارد و برعکس مظهر ارتجاع و ضد انقلاب است تردیدی نیست. اما دولت شوروی در برابر یکبار به مبلغ یکصد و ده ملیون دلار و بار دیگر بمبلغ یک میلیارد دلار اسلحه و کالیبر ارتشی به دولت ایران فروخته است که هم اکنون در جنگ علیه خلق ظفار از آنها استفاده میشود. آیا جز اینست که این اسلحه و تجهیزات برای مقاصد ضد انقلابی و علیه مبارزات انقلابی خلقهای ایران بکار می افتد؟ آیا یک کشور سوسیالیستی میتواند برای سرکوب نیروهای انقلابی اسلحه در اختیار یک دولت ارتجعی بگذارد؟ پس فرق شوروی با کاپو در کجا است؟ جالب است که شوروی زمین اینکه به شاه ایران اسلحه و تجهیزات نظامی میفرشد به خلق ظفار نیز "کک" نظامی میرساند. این تضاد آشکار و متضاد آیا جزایر مطامع تولید امپریالیسم شوروی میتواند سرچشمه گیرد؟

شاید تصور گردد که فروش اسلحه به شاه یک مورد استثنائی است (که البته بازم قابل توجیه نیست). اما واقعیت جز این است. پس از کودتای ۱۹۶۵ در اندونزی که در آن رژیم خلق نزدیک به یک ملیون نفر از کمونیست ها و هواداران آنها را به فجیع ترین شکستی کشتار کرد دولت شوروی بیش از یک میلیارد دلار اسلحه و اختیاریه فاشیستی اندونزی که داشت. بیشتر سلاحهای مانند توخانه و هواییم کاستار جاع اند و نری برای محاصره و نابود کردن ارتش های مسلح خلق در نقاط مختلف کشور مورد استفاده قرار داد و از رزاد خانه امپریالیسم شوروی بیرون میاید. واحد های ضد چریکی رژیم سوار توروبی آموزشی اتحاد شوروی اعزام میگردد بدند افسران عالی رتبه شوروی در جاوه شرقی رهبری عملیات نظامی علیه دسته های پارتیزانی را برعهده داشتند.

سالهاست که دولت شوروی با فروش اسلحه دولت ارتجعی و توسعه طلب هند را در برابر جمهوری تودهای چین تقویت میکند و در عین حال علیرغم تظاهر بدوستی با هند به دولت ارتجعی پاکستان عضویمان سنوانه میفرشد. همین سلاحهای ساخت شوروی است که کارگران اعتصابی هند را در روسیاند، نیروهای انقلابی هند را سرکوب میکند، ولی شوروی را با کارگران و نیروهای انقلابی کاری نیست. او در هند مناقع و مطامع نو استعماری خود را موجود و از فروش اسلحه به چیزی جز آب کردن دخواست اسلحه و تحصیل سود نمی اندیشد.

البته دولت شوروی تنها به دولتهای ارتجعی اسلحه نمیفرشد، به آن جنبشهای انقلابی که در آنها آیند های برای خود می بینند نیز "کک" نظامی میدهد، و یاد آن "کک" نظامی خود را بتهای "ناچی" و "آزاد بخش" جا میزند و در ابر برای گسترش نفوذ خود میکشاید بویزه از این طریق که به بهانه تربیت کادر افرادی از جنبش را به کوفرا میخواند آنها را آموزش میدهد و با سیاست شوروی آشنا میسازد و پس از بازگشت با استفاده از فشار "کک" نظامی آنها را با خصوصیات ارتزی آنها را بعنوان کادر در راس امور حساس میکارد و بدین ترتیب نفوذ خود را با دست آنها در همه زمینه ها توسعه میدهد و مقاصد خود را عملی میکند. پاناماریف عضو هیئت سیاسی و دبیر حزب رومینو نیست اتحاد شوروی در اوایل سال گذشته بنسبیت پانزدهمین سال تاسیس دانشگاه لومویانطقی ایراد کرد که در روزنامه پرورد نیز انتشار یافت. او در منطق خود بصراحت میگوید که دانشگاه لومویانطقه فقط متخصص تربیت میکند و به کشورهای خود باز میگردد بلکه افرادی بیرونی میدهند که مسائل جهان امروز را از دیدگاه اتحاد شوروی میبینند و می فهمند. بدینسان "کک" نظامی شوروی به جنبش های انقلابی و آزادی بخش نه بخاطر رهائی خلق آنها از اسارت و وابستگی به امپریالیسم است بلکه بخاطر آنست که استعمار غرب را براند و استعمار زمین خود را بجای آن بنشانند اتحاد شوروی با همکاری نظامی با سوار تون جنبش انقلابی مسلح خلق اندونزی را سرکوب میکند در حالی که به جنبش های ظفار و پملا "کک" نظامی میدهد. این هر سه برای آزادی خلق خویش از یوغ استعمار غرب میجنگند اما روش شوروی نسبت به آنها متفاوت است چرا؟ برای آنکه در ارتش مسلح خلق اندونزی هیچ امیدی برای خود

از زندگی کارگران و دهقانان

شاه در مصاحبه با "رستاخیز کارگران و کشاورزان" چنین میگوید:

"منه اثر نمیشود بیکطرفه باشد نمیشود همایش داد و هیچ نکرفت، برای آنکه روزی تمام میشود و سلطت و رشکته راهمیز میگویند که هی بدهی و چیزی بزرگان را این غیر قابل ادانسه است ...

کارکرانی اینک صاحب بخشی از منافع کارخانه و کارگاه شده است ...

کشاورز ایرانی دیکر سایه سنگین و دلهره ارباب و مالک را بر سر خود احساس نمیکند کشاورز ایرانی صاحب زمین خود شده و آب مورد نیاز او نیز از طریق قانون ملی شدن آبها تامین شده است ...

ما میگوئیم تا مثلاً ۱۲ سال دیکر ملت ایران باید وارد دوره تمدن بزرگ بشود ...

دهکده های حسن آباد و دره زرشک از توابع بزرگند، این دو دهکده تقریباً ۳۰ نفر جمعیت دارند و صاحب این دو دهکده شخصی بنام جلیلی است که سمت ایشان سناتور است سناتور جلیلی هر سال با خانواده اش در اوقات تابستان مدت یکماه تعطیلات خود را در ده زرشک میکند. از مقدار جمعیت روشن است که این دو دهکده جز دهات بزرگ و یا متوسط بزرگ بشمار میاینند. چیزی که در این ده شنیده نشده است اسم اصلاحات ارضی است و سناتور جلیلی اختیار دار نام است. کشاورزی بصورت عادی یعنی مانند ۱۰۰ سال قبسط جریان دارد و سهم دهقان یک چهارم محصول است. از طرف دیکر سناتور یک معدن زرمزیز در مجاورت دهات خود دارد بکنده خود ایشان اگر این معدن زرمزیز نصف افراد ساکنین در دهات میبوند و منت فراوان دارد که کار معدن را راه انداخته است که دهقانان بتوانند زندگی کنند و آواره نشوند، و همیشه برای دهقانان خود مثال دهات مجاور را میزند که از ساکنین خود تهی شد مانند دهقانان بالا جبار معدن زرمزیزان با حقوق روزی ۳ الی ۴ تومان با وسایل اولیه و بدون هیچ تضمینی کار میکنند و هر روز بطور متوسط باید ۵۰ نفر در معدن کار کنند، در سال اخیر یک شرکت فرانسوی نیز در مجاورت دهات آقای ستانور مشغول استخراج سنگهای معدنی هستند (که برای ما هنوز معلوم نیست که چه چیز استخراج میکنند) البته فرانسویان با کارگران روزانه ۱۰ تومان مزد میبرد از دهقانان آقای ستانور از ترس از باب جرات نکرده اند در معدن فرانسویان کار کنند و هم چنین معدن چیان فرانسوی نیز قبل از اشتغال به کار با ستانور معاخذ های بسته بودند که هیچگاه از دهات جناب ستانور کارگر نگیرند (باید اضافه کرد که معدن مذکور شهرام پهلوی به فرانسویان اجاره داده است و سمت دلالتی را نیز آقای ستانور جلیلی داشته است).

سناتور جلیلی از مهرماه سال ۱۳۵۳ یک معامله ای با ۶۰ ملیون تومان با یک شرکت ایتالیائی انجام داده است و تعهد شده است برای چندین سالی بتعداد ۵۰ کارگر روزانه با همین حقوق در اختیار آنها بگذارد، اکنون برادر ستانور جلیلی بعنوان نماینده هر دو طرف بهره برداری از معدن زرمزیز را نظارت میکند، ستانور دارای ۳ دختر است که یکی از دخترها در هنگام تابستان تقریباً اینست که دهقانان را سوار ماشین باری کهرسی کرده و با سرعت ایشرو آورند و در وقت رانندگی بیک بار ترمز کند و با برعکس سرعت گیرد، بعضی اوقات شده است که بعضی از دهقانان چنان زخمی شده اند که مدت دو هفته زخم هایشان بسته است و البته از ترس ارباب کسی صدائی برنی آورد.

ده فیض آباد تفت
ده فیض آباد تفت از توابع بزرگ است و جمعیتی بالغ بر ۱۰۰ نفر دارد، در این ده شخصی بنام آقا بیتر از ۶۰٪ زمین ها را در اختیار دارد و اوست بقیه در صغحه ۳

کنفدراسیون و سنت های درخشان آنرا زنده نگاه داریم!